آخرين گفت و گو با حشمت الله طبرزدي پيش از دستگيري او

گفت وگو: ايرج شكيبايي
www.shahrvand.com

الان درست در شرايطي كه ملت ايران به پا خاسته اند دولت فرانسه در يک خوش رقصي آشكار براي گرفتن چند هزار دلار اضافي از دولت ايران مي آيد با مجاهدين خلق آن گونه برخورد ميكند براي اين كه در واقع افكار عمومي را منحرف كند و براي اين كه به نظر خودش ضربه اي بر پيكره جبهه آزاديخواهي در ايران زده باشد

ما در بايكوت جدي هستيم از سوي دولت اروپا، راديو فردا دروغ ميگويد، راديو بي بي سي دروغ ميگويد، سلطنت طلبها دروغ ميگويند دولت فرانسه و انگليسي ها دروغ ميگويند، اينها مشتي قدرت طلب هستند، اينها مشتي منفعت طلب هستند. امروز جوانان ايران، دانشجويان ايران، زنان ايران زير بار اين سركوبند، زير بار قداره بندهاي رفسنجاني هستند، رفسنجاني آدم كشه، رفسنجاني قداره بنده، رفسنجاني قدرت طلبه، رفسنجاني تروريسته

اينها خشونت را به نهايت خودشان رسانده اند اينها وحشي هستند، اينها مشتي وحشي هستند كه دارند به ملت ايران حكومت ميكنند و خشونت را از مغول و تاتار هم بدتر كرده اند، از عربها هم بدتر كرده اند، اينها حركت هايشان حركتهاي وحشيانه است يک مشت چاقو به دست و سركوب گر را به جان مردم ميياندازند

بايد حكم اعدام برداشته شود براي اينكه هرگونه خشونت اعم از شكنجه و سنگسار، قطع دست ، اعدام انقلابي همه اينها را ما مظاهر خشونت ميدانيم و به لحاظ حقوق انساني با اين ها مخالف هستيم و معتقد هستيم كه در حكومت آينده آنچه حكومت ميكند حقوق انسانها و حقوق بشر است و در متن حقوق بشر هم پرهيز از اعدام و خشونت هم هست

همواره جنبش هاي آزادي خواهي و دمكراسي گرفتار چنين نهادهايي مثل نهاد بازار و نهاد سلطنت و روحانيت بوده اند و امروز در ايران اين جنبش آگاهي دهي و آگاهي خواهي آغاز شده

شكيبايي: آقاي طبرزدي سلام و صبح شما در آنجا به خير.
ـ طبرزدي: درود بر شما و اميدوارم اوقات شما به خير باشد.

*جداً دست مريزاد و ما خيلي با اميد داريم مسائل در ايران را تعقيب ميكنيم و واقعا همه شما را تحسين ميكنيم و متاسفيم كه در كنارتون نيستيم واقعا دلمون اونجاست و ذره ذره وجودمون اونجاست و واقعا درد بزرگي روي سينه هامان هست كه نميتوانيم آنجا باشيم و آن چماقها را بخوريم و آن كاردها را در بدنمان حس كنيم و دردهايي كه شما ميكشيد ما هم با شما شريک باشيم ولي ما هم اين جا ذره ذره وجودمان با شماست و به عشق شما با همدلي و همدردي با شما لحظه شماري ميكنيم و موفقيت شما را آرزو ميكنيم. سپاسگزارم از شما كه دعوت ما را پذيرفتيد و در برنامه ما شركت كرديد اگر اجازه بديد سئوالم را مطرح كنم.
ـ خواهش ميكنم بفرماييد.

*به نظر ميرسد كه جنبش دانشجويي تبديل شده به يک حكومت عمومي و رفته رفته داره تبديل ميشه به يک قيام مردمي در سطح كشور و دارد ميرود كه استبداد و خودكامگي و فساد را در قبرستان تاريخ دفن كند. ميخواستم نظر شما را بدانم.
ـ بله همينطوره البته، خوشبختانه جنبش دانشجويي تبديل شد به يک جنبش عام اجتماعي و اگر چه الان در همين مبارزه هم باز ميبينيم كه موتور حركت آن جريان اصلي جنبش دانشجويي است. الان در همه دانشگاه ها و خوابگاه هاي دانشجويي، تحصن و اعتراضات ادامه دارد و هر جايي و هر شهري كه دانشگاهي يا دانشكده در آنجا هست اعتراض و حركت هم هست و آن چيزي كه الان در ايران دارد اتفاق مي افتد، در چهار سال پيش نبود يعني در ۱۸ تير سال ۷۸ اگر چه دانشجوها آغاز كردند و برخي از مردم هم پيوستند ولي تداوم نداشت به دليل اين كه هنوز زمينه هاي اجتماعي و بستر لازم براي پيوستن مردم به آن آماده نشده بود. اين چهار سالي كه مبارزه پيگير و بي امان مبارزان و آزادي خواهان و دانشجويان ادامه پيدا كرد خوشبختانه الان دارد به ثمر ميرسد اما در عين حال مانع از اين نميشود كه ما يک تحليل واقع بينانه اي نسبت به وضع موجود داشته باشيم. بايستي سعي كنيم نقاط ضعف و قوت را بررسي كنيم تا در حركت هاي آينده مان پرتوان تر باشيم و من به همين دليل لازم ميدانم كه نكاتي را به صورت تحليلي بيان كنم. من معتقد هستم كه ما در جنبش اخيرمان داراي نقاط ضعفي هستيم كه اگر اين نقاط ضعف را بتوانيم برطرف كنيم پيروزي بسيار زودرس تر خواهد بود و هزينه هم كمتر خواهد شد، يعني در واقع اين هنر استبداد نيست كه برپا مانده بلكه اين نقاط ضعفي است كه در جنبش آزادي خواهي وجود داره و آن هم اين است كه اولا اين جنبش پشتوانه و حمايت كننده درست و حسابي ندارد من شايد در صحبت قبلي هم كه با شما داشتم مطرح كردم و اصلا اين طرح شوراي ائتلاف كه جبهه دمكراتيک ايران مطرح كرد در چند وقت پيش ناشي از اين برداشت بود كه مردم ايران الان در واقع درگير هستند با يک حكومت ـ حالا ديگر بيشتر از توتاليتاريستي بايد بگويم ميليتاريستي ـ يعني يک حكومتي كه اصولا تكيه دارد بر سرنيزه و نيروهاي انتظامي و نظامي و امنيتي.

*و بيشتر شبه نظامي
ـ بله. خوب است كه شما بدانيد مثلا در دو سه شب گذشته در تهرانپارس گزارشهاي زيادي ما داشتيم كه آنها حتي رفته اند به خانه هاي مردم و خانه به خانه با مردم درگير شدند. لباس شخصي ها و نيروهاي نظامي جاهايي بهانه شان اين بوده كه ميخواهند ديش هاي ماهواره اي را جمع كنند و جاهايي بهانه شان اين بوده كه ميخواهند مبارزان را تعقيب كنند. البته متاسفم بگويم كه ديروز دكتر فرزاد حميدي سخنگوي جبهه دمكراتيک ايران در خيابان ربوده شده است. من اگر بخواهم از آمار مفقودها و بازداشت شده ها و حتي متاسفم بگويم در مواردي افرادي كه به شهادت رسيده اند را مطرح كنم طولاني خواهد شد، منظور اين است كه ميخواهم ماهيت اين حكومت توتاليتاريستي و اين حكومت ميليتاريستي را بيشتر برملا كنم و بگويم اين حكومت يک حكومت مثلا عرفي نيست مثل ساير حكومت ها بلكه يک حكومت ايدئولوژيک است و سران جناح اقتدارگرا هم اعلام كردند كه به نيروهايشان گفته اند كه با بي رحمي هر چه تمام تر با مردم برخورد كنند، در داخل كشور الان در بسياري از شهرهايمان به صورت غيررسمي و اعلام نشده حكومت نظامي برقرار كرده اند و در اصفهان شيراز و رشت و تهران و همه جاي ايران. به هر حال چندين و چند هزار گماشته دارند، در واقع نيروهاي چماق به دست دارند و اينها را تحريک كردند بر سر مردم و مردم در چنين شرايطي دارند مبارزه ميكنند جوانها با دست خالي، زنها، دخترها و پسرها چنين

مبارزه بي اماني الان در ايران هست و اين مبارزه گسترش هم پيدا خواهد كرد دوام هم دارد و ۱۸ تير اوج آن خواهد بود اما پايان آن نخواهد بود بلكه بعد از ۱۸ تير هم اين مبارزه در همين چهارچوب تظاهرات و گسترش اعتصابات ادامه پيدا خواهد كرد و در اين شكي نيست اما در عين حال ما از يک نقاط ضعفي داريم رنج ميبريم اولا اين كه جنبش نياز به يک حامي و نيروي پشتيباني كننده دارد اين نيرو هنوز به وجود نيامده. خوشبختانه جمهوريخواهان يک اقدامات خوبي انجام دادند در نشست واشنگتن آينده هم برنامه هايي دارند اما هنوز عقبند از مردم، بايد تلاش بيشتري كنند و اين نيرو كه لازم است الان پشتيباني كند حمايت كند، جهت دهي كند و برنامه سازمان دهي بدهد كه اكنون وجود ندارد. با كمال تاسف از آن طرف ما گرفتار اين سلطنت طلب هاي افراطي هم هستيم در بيرون مرز كه اين رسانه ها هم اكثرا دست اينهاست رسانه هاي جمعي كه الان وجود دارد به استثناي دو سه تا بقيه دست سلطنت طلبهاست و آنها پول دارند و توانمندي دارند و به دنبال اين هستند كه آن هويتي را كه از دست داده اند در ۲۵ سال گذشته، (بار ديگر به دست آورند.)

*آب رفته را به جوي بازگردانند

ـ آب رفته را به جوي بازگردانند و دارند به مردم توهين ميكنند روز و شب و اي مردم شما نفهميديد اشتباه كرديد غلط كرديد بايد بياييد بگوييد ما غلط كرديم به روز سياه نشانديد خودتان را و اين قدر دارند به مردم توهين و تحقير ميكنند و بعد هم به زور ميخواهند رضا پهلوي را به ملت تحميل كنند. ما متاسفيم من فكر ميكردم كه اين آقاي رضا پهلوي آن جوري كه ميگه واقعا در حرفهايش دمكراته ولي نميدانم ايشان چرا نميتواند طرفدارانش را كنترل كند كه اينقدر الان به جاي اين كه بيايند حمايت كنند از مبارزان در اين رسانه هاشان دائما دارند مبارزان را تخريب ميكنند مبارزه را تخريب ميكنند و فقط و فقط به فكر اين هستند كه خودشان را دوباره به ملت ايران تحميل كنند. در صورتي كه حقيقتا حساب سلطنت طلبها از مشروطه خواهان جداست، حساب حزب مشروطه خواه جداست ولي متاسفانه آن هم خيلي نميتواند كاري كه بايد انجام بدهد يعني من نديدم كه يک حركت جدي داشته باشد براي اين كه حسابش را از اين سلطنت طلبها جدا كند، سلطنت طلبها يكي دو تا تلويزيون كه رسما در دستشونه راديو هم دارند و اينها يک اشتباه تاريخي دارند ميكنند كه فكر ميكنند چون مردم از جمهوري اسلامي ناراضي هستند و معترضند حالا حتما اين مردم دنبال سلطنت مي افتند و من نميگويم قبول ندارند حتما درصدي از مردم ايران هم طرفدار رضا پهلوي هستند قطعا هم اين جوريه اما اين آقايان يک اشتباهي كه دارند ميكنند اين است كه فكر ميكنند الان سالهاي ۵۶ و ۵۷ است و رضا پهلوي هم خميني است و مردم ايران هم منتظر نشسته اند كه ايشان بيايد و در واقع مردم هم برايش هورا بكشند و بگويند بنشين بر تاج و تخت در صورتي كه اگر بخواهند مقايسه اي بكنند با اين همه پولي كه دارند خرج ميكنند كجا بوده كه آقاي رضا پهلوي دعوتي كند و مردم به دعوت ايشان بيايند به خيابان در زمان انقلاب بهمن ۵۷ اين واقعيت وجود داشت حالا درست يا غلط من كاري ندارم وقتي خميني از خارج از كشور پيامي ميداد مردم عمل ميكردند و يک ارتباط اين جوري برقرار بود اما اينها اشتباه ميكنند واقعا اشتباه بزرگي هم دارند ميكنند جامعه ايران را نشناخته اند و فكر ميكنند يک جامعه توده واره و بعد براساس يک جامعه توده وار كسي فرمان ميدهد و اينجا عمل ميكنند اين توهم آنها را برداشته و براساس اين توهم اينها تلاش ميكنند كه اولا آن كانديدهاي خودشان را به زور بخواهند تحميل كنند ثانيا به نظر خودشان ساير حزب ها و گروه ها را تخريب كنند به جاي اين كه از مبارزه و مبارزان حمايت كنند مي آيند راه هاي انحرافي ميروند موتور حركت اين حركت جنبش دانشجويي است و جنبش دانشجويي جنبشي آزاديخواهانه و دمكرات است جنبش دانشجويي است و دنبال سلطنت نيست و نه از شيخ دل خوشي دارد نه از شاه و با كمال تاسف يک بخش عمده اي از نيروي ما كه دارد اين جوري توسط اين رسانه ها هدر ميرود، آن بخش ديگر رسانه ها كه سلطنت طلب نيستند زير سلطه سلطنت طلبها در واقع ميترسند و اخبار واقع را از داخل كشور مطرح نميكنند و مشكلي بسيار جدي كه ما داريم اين هستش كه بنابر اين آن شوراي ائتلافي كه متشكل باشد از تمام نيروهاي آزادي خواه اعم از مشروطه خواه واقعي نه آنها كه پهلوي خواهند يا سلطنت طلبند آنهايي كه مشروطه خواهند و آنهايي كه جمهوري خواهند اولا آن نيروي پشتيباني كننده وجود ندارد ثانيا اين رسانه هايي كه هستند يا مستقيما تريبون هاي سلطنت طلبها هستند يا غير مستقيم تحت تاثير آنها هستند بنابر اين آنها از مبارزان واقعي درون كشور حمايت نميكنند و به جاده فرعي ميروند و مثلا در يک هفته گذشته كه اوج مبارزات بود در ايران، خوب است شما بدانيد اين رسانه ها نيامدند به صورت جدي مواضع و برنامه هاي جنبش ها و تشكل هاي مبارز دانشجويي و غير دانشجويي داخل كشور را مطرح كنند و با مردم ارتباط پيدا كنند و صحبت كنند چون اين تشكل ها هستند درون مرز كه ميدانند سازمان مبارزه چي هست و برنامه مبارزه چي هست بنابراين يكي از گرفتاري هايي كه ما در مبارزه داريم و اصلا يک مانع جدي است كه آزاديخواهان اپوزيسيون خارج از كشور نميتوانند دور هم جمع شوند همين سلطنت طلبها هستند. چون من خودم را يک آدم مبارز آزاديخواه و روشنفكر ميدانم و آدم مبارز و آزاديخواه روشنفكر هيچ حسابي براي آينده خودش نميكند نه به دنبال شهرت است و نه به دنبال قدرت است، كما اين كه الان هم نيستم در گذشته هم نبودم و آينده هم نخواهم بود و من به عنوان يک آزاديخواه روشنفكر آزاد و متعهد و مسئول همان گونه كه در مقابل رژيم سركوب گر جمهوري اسلامي ايستادم در آينده در مقابل اين سلطنت طلبهاي قدرت طلب هم خواهم ايستاد و به آنها

اعلام ميكنم كه شما در كار مبارزه داريد اخلال ميكنيد، داريد ضربه ميزنيد و به همين دليل به لطف يزدان پاک همان گونه كه در مقابل ولايت مطلقه فقيه ايستادم در مقابل سلطنت مطلقه هم خواهم ايستاد و اجازه نخواهيم داد از اين وضعيت سوءاستفاده كنند، از نارضايتي مردم سوءاستفاده كنند و بخواهند كه بساط شاهي را دوباره در اين مملكت گسترش دهند و بخواهند وضع مملكت را برگردانند به دوران سلطه استبداد شاهي، ما از استبداد شاهي و استبداد شيخي و استبداد آخوندي هر دو منزجر هستيم اين يک مشكل اساسي است كه ما الان داريم مشكل بعدي دولت هاي اروپايي هستند.

*آقاي طبرزدي يک موضوع را در تاييد فرمايشات شما بگويم كه آنها البته در شرايطي نيستند كه بتوانند خودشان را به ملت ايران تحميل كنند و ملت ايران هم در شرايطي نيست كه چيزي بشود به آن تحميل كرد و تنها مسئله اي كه هست اين است كه حركت مردم را كند ميكنند با اين حركاتي كه ميكنند نه تنها من اعلاميه هايي كه از ايران ميآيد ميخوانم و ميبينم متوجه ميشوم دانشجويان و مردم ايران چقدر روشنفكر هستند و چقدر انديشمندانه و هوشمندانه با مسائل برخورد ميكنند و چقدر خوب مسائل را درک ميكنند، همين امروز بيانيه اي به دست من رسيد و واقعا لذت بردم از بيانيه و از اين طرز فكري كه مبارزان ما دارند اين را در رابطه با اين گفتم كه من كاملا حرف شما را تاييد ميكنم و مطمئن هستم مردم بر نميگردند به آنجايي كه بودند مردم راهشان را ادامه ميدهند و موانعي را كه تا به حال سر راهشان بوده آنها را هم بر ميدارند و به جلو ميروند و به عقب بر نميگردند.
ـ بله من دقيقا به شما بگويم كه جنبش دانشجويي كه پشتاز اين مبارزات است يک جنبش روشنفكري است يک جنبش دمكراتيكه كه به دنبال ارتجاع و برگشت به عقب نيست، نخبه ها ايند نويسنده ها ايند متاسفانه اين وضع را سلطنت طلب ها درک نميكنند. ما سلطنت طلب ها را به عنوان يک جريان كه داراي ليدري مثل رضا پهلوي هستند و درصدي از آراء مردم را هم حتما دارند براي آنها احترام قائل هستيم و به آنها توصيه ميكنيم جايگاه خودشان را بدانند به عنوان بخشي از اپوزيسيون به عنوان يک حزب و به عنوان يک جريان و به عنوان يک جبهه سلطنت طلبي آنها محترمند جاي خودشان را هم بدانند، اما فكر نكنند ميشود يک جبهه را يک جريان و يک جناح را به همه ملت ايران تحميل كرد اين مسئله اي است كه تذكرش را دادم و در آينده هم تحليل هاي بيشتري خواهم داد البته آنها مانعي هستند كه مبارزه را كند ميكنند يا به عقب مي اندازند ولي نميتوانند تعطيل كنند، آنها ضرباتي ميزنند ممكن است مبارزه و پيروزي ما عقب بيافتد ولي ما ترجيح ميدهيم يک پيروزي دمكراتيک يک پيروزي نهادينه شده و يک پيروزي درست داشته باشيم اما تحت تاثير اين حركتهاي افراطي هم نباشيم. اجازه بدهيد تا در آينده ما وضعمان را با آنها شفاف كنيم اگر چه پيروزي ما به عقب مي افتد ولي اين شفافيت لازم است. مشكل بعدي اين اصلاح طلبها هستند كه با كمال تاسف ضربه ميزنند به مبارزات ملت ايران با وجودي كه دولت و مجلس را در دست دارند اما آن اصلاح طلبهاي درون حاكميت ـ اصلاح طلب هاي بيرون حاكميت را بحث نميكنيم آنها با جريان سوم و مبارزه مردمي هستند مثل همين نويسنده هايي كه زندان رفتند مثل جناح آقاي منتظري مثل جناح هاي روشنفكري مثل آقاي آقاجري آنها اصلاح طلب هايي هستند كه با مردم هستند ـ آنهايي كه مجلس را در دست دارند و دولت را در دست دارند سركوب اصلي الان توسط وزارت اطلاعات وزارت كشور و دولت خاتميه و اين اصلاح طلبها دروغ ميگويند اين نماينده هاشون كه در مجلس هستند دروغ ميگويند آنها در اين شرايطي كه بايد از فرصت استفاده ميكردند و در واقع مي آمدند به حمايت مردم عملا در مقابل مردم موضع گرفتند نظرات خاتمي را شما شنيديد حرفهاي محمدرضا خاتمي را شنيديد عكس العمل رسانه شان را در اين چند روزه ديديد از اين فرصت نه تنها استفاده نكردند بلكه ضربه زدند و ميزنند به جنبش آزاديخواهي ملت ايران اين نكته اي هست كه ما هيچ وقت نبايد فراموش كنيم. جناح اقتدارگرا در مقابل مردم ايستاده و تكليفش را مشخص كرده اما جناح اصلاح طلب يک روز مي آيد طرح استعفا را مطرح ميكند، يک روز مي آيد و ميگويد ميخواهيم رفراندوم مطرح كنيم و به محض اين كه حركتهاي مردمي اوج ميگيرد آنها مي آيند و در كنار جناح اقتدارگرا قرار ميگيرند و در شوراي امنيت آقاي خاتمي عامل اصلي سركوب ملت ايران است. افشاگري خواهيم كرد در آينده و اجازه نخواهيم داد كه آنها از طريق نيروهاي اخلال گر خانه به خانه توي سر مردم ايران بريزند، خوابگاه دانشجويي را آن گونه ويران كردند و مسائلي كه الان در مملكت است. مانع سوم ما دولت هاي اروپايي هستند. الان درست در شرايطي كه ملت ايران به پا خاسته اند دولت فرانسه در يک خوش رقصي آشكار براي گرفتن چند هزار دلار اضافي از دولت ايران مي آيد با مجاهدين خلق آن گونه برخورد ميكند براي اين كه در واقع افكار عمومي را منحرف كند و براي اين كه به نظر خودش ضربه اي بر پيكره جبهه آزاديخواهي در ايران زده باشد. اين نشان ميدهد و يا در انگلستان كه جک استرا با وقاحت تمام مي آيد و اعلام ميكند منافع ملي انگلستان اين است كه همين حكومت باشد و در واقع آنها دارند ضربه ميزنند به يک جريان مردمي كه هيچگونه حامي و پشتيباني ندارد. اما در عين حال با همه اين مشكلات و موانع و ضرباتي كه دارد به اين جنبش ميخورد مردم ايران خوشبختانه همان طور كه شما هم اشاره كرديد اين جنبش را دارند رهبري ميكنند، سازماندهي ميكنند، برنامه ريزي ميكنند، در محله ها جوانها جمع شده اند و پيكهاي رفراندوم يا هسته هاي مقاومت را تشكيل داده اند، در شهرها در دانشگاه ها و خوشبختانه اين مبارزه دارد راه خودش را طي ميكند.

*آقاي حشمت الله طبرزدي آيا الان سعي نميشود كه اتحادي بين كارگران، كارمندان، معلمان و دانشجويان و كل جنبش به وجود بيايد هيچ حركت و عملي شده در اين مورد؟
ـ خدمت شما عرض كنم كه بين نمايندگاني از كارگران و فرهنگيان و دانش آموزان و اصناف و دانشگاهيان ارتباط هست. مثلا ما در جبهه دمكراتيک ايران از همه اين لايه هايي كه اسم برديد نماينده داريم و تشكل هاي خودشان را دارند مثل جنبش متحد كارگران و جنبش آزاديخواهي دانش آموزان و جنبش معلمان همه اينها در قالب تشكل هايي هستند اما متاسفانه به دليل شرايط شديد سركوب و خفقان و سانسور در ايران خود آن فضا ايجاد نشده كه آنها به صورت توده اي با هم ارتباط برقرار كنند من فكر ميكنم كه ما داريم به يک سمت پيش ميرويم يعني ما الان در اين مبارزه اي كه داريم گام هايي كه دارد برداشته ميشود مراحل بعدي يكي همين شكل گيري يک شورا و يک ائتلافي با حضور همه اينها است و همچنين شكل گيري شورايي با حضور حزب هاي فعال اپوزيسيون درون كشور است، كه اقداماتي انجام گرفته و مهم تر از همه اينها كه مرحله بعدي مبارزه ما پيش بيني كرده ايم ۱۸ تير گام اول آن باشد گسترش اعتصابات است. واقعا در مقابل موج سركوبي كه الان است كه تا وقتي كه شما در داخل كشور نباشيد و با اين ها درگير نباشيد به راحتي لمس نخواهيد كرد كه سركوبي كه من ميگويم خانه به خانه است، در محله ها است، حكومت نظامي است اين را كسي به راحتي نميتواند لمس كند، فقط آنهايي كه با آن درگير هستند بنابر اين تا وقتي اين موج بسيار شديد سركوب هست، ما بايد بتوانيم كه اعتصابات را گسترش دهيم. جبهه دمكراتيک ايران در بيانيه اي كه صادر كرده و همچنين اعلاميه اي كه خود من و منوچهر محمدي مشتركا داديم پيشنهاد كرديم كه روز ۱۸ تير تمام كارخانه ها و مدارس و اداره ها و بازار و همه جا تعطيل كنند و بيايند پشتوانه مردم قرار گيرند. ما داريم مرحله جديد را تجربه ميكنيم كه اعتصابات را گسترش بدهيم. گسترش اعتصابات در كنار تظاهرات محله اي و خيابان و شهري كه الان شبيه به انقلاب بهمن ۵۷ تقريبا حركتها به صورت فرم دمكراتيک آن شروع شده مرحله بعدي مبارزه است، كه اميدواريم نهايتا با انسجام و تشكل اين لايه هاي مختلف اجتماعي گام هاي نهايي مبارزه برداشته شود.

* آقاي طبرزدي اگر ما الان بياييم و اين جنبش را مقايسه كنيم با جنبش سال 57 چه امتيازهايي اين جنبش دارد؟ اين جنبش الان در كجا قرار گرفته است؟
ـ من فكر ميكنم ما در اواخر سال 56 هستيم البته همانطور كه اشاره كردم تفاوتهاي بسياري هست در رهبري مبارزه و در شعارهاي مبارزه. آن مبارزه اي كه در بهمن 57 به ثمر رسيد رهبريش رهبري روحاني بود، بخشي از شعارهايش را بعدا مذهبي و اسلامي كردند، برخي از مطالبات را برگرداندند به سمت مطالبات ديني و مذهبي؛ مثلا به طور مشخص جاهايي كه مورد حمله قرار ميگرفت سينماها بود، مشروب فروشي ها بود، بعضي از بانكها بود، اينها چيزهايي بود كه رهبران مذهبي با آنها مخالف بودند و مردم را هم جهت دادند. در آن دوره ارتش در مقابل مردم بود، و تيراندازي مستقيم ميكرد و يک شرايط متفاوتي بود هم به دليل شرايط بين المللي و هم ماهيت خود انقلاب اما الان با همه ي اين تفاوتهايي كه هست، اين مبارزه اي براي دمكراسي، براي سكولاريسم و حكومت غيرمذهبي است و ديگر نميخواهد كه حكومت مذهبي باشد، پيشتاز آن ديگر روحانيون نيستند بلكه دانشجويان و روشنفكران هستند و يعني يک جنبش رروشنفكري است و با تمام اين تفاوتهايي كه دارد يک شباهتهايي هم دارد و آن اينكه هر دو حركت چه در بهمن 57 و چه الان هر دو در مقابل دو حكومت توتاليتر و سركوب گر و استبدادي بود هم در زمان شاه اينجور بود و هم الان اينجور است. بنابر اين از لحاظ ماهيت قدرت و حكومت اگرچه حكومت فعلي بدتر و سركوبها شديدتر و برخوردها بيشتر است، اما در هر دو صورت هر دو حكومت استبدادي بود. دوم اينكه مبارزه بر متكي به حزب و سازمان نبود بلكه بر توده مردم بود. همين الان شما ميبينيد باز چون نگذاشتيد در اين مملكت حزب و سازمان شكل بگيرد، مطبوعات پا بگيرند، بنابر اين مبارزه باز بر دوش لايه هاي مختلف مردم مثل دانشجوها، فرهنگيان، كارگرها، زنان و بقيه است. بنابراين جنبش توده اي يعني اجتماعيه و شباهتهاي زيادي بين اين دو جنبش وجود دارد و گسترش اعتراضات در حال حاضر شبيه به همان چيزي است كه در اواخر سال 56 شروع شد. تظاهرات خودجوش در محله هاي مختلف اتفاق افتاد الان ما تقريبا آن دوران را داريم تجربه ميكنيم.

* آقاي طبرزدي هميشه دانشجويان به عنوان اولين معترضان يا به اصطلاح ساده تر بگويم موتور حركت جنبش ها در سراسر جهان بوده اند ولي متاسفانه تنها جنبش را به وجود آوردند ولي هيچ وقت در رهبري آن شركت نكردند ؟
ـ خوب اين به علت بافت قدرت در ايران بود. ببينيد به لحاظ جامعه شناختي اجتماعي سياسي ايران همواره شما اگر دقت بفرماييد ميبينيد كه دو سه تا نهاد در ايران قدرت مند بودند كه ميتوانستند در رهبري ايران نقش داشته باشند. يكي دستگاه سلطنت و حكومت بود كه اين در واقع سمبل شاه بود و شاه ژاندارم و پليس و نيروي نظامي و قدرت نظامي را در اختيار داشت همراه با قدرت مالي بويژه در زماني كه توانست نفت استخراج كند اين قضيه تشديد شد اگرچه قبل از آن هم ايران به لحاظ كشاورزي و دامداري و به لحاظ تجارت يک كشور ثروتمند بود يعني همواره در ايران دستگاه حكومت از سرمايه كافي هم برخوردار بوده حالا در دوره هاي متفاوت گوناگون بوده و همواره يک قدرت تعيين كننده بود و به همين دليل نهاد سلطنت

و نهاد حکومت که سمبل آن شاه بود در سرنوشت مردم تاثیر داشت و تعیین کننده بود. نهاد دومي که تعیین کننده بود نهاد روحانیت بود که در واقع هم قدرت مالي داشت و هم قدرت مذهبي و میتوانست مردم را در مراحل مختلفي بسیج بکند و در اختیار بگیرد این هم نهاد دومي بود، که همواره وجود داشت و نهاد سوم به لحاظ جامعه شناسي نهاد بازار بود یعني تجار و بازار و طبقه اي که ثروت و پول و روابط اقتصادي را رقم میزدند در دست اینها بود. در تغییر و تحولات ایران این سه نهاد همواره تعیین کننده بودند و قدرت دست به دست میچرخید یک وقت ممکن بود نهاد حکومت و روحانیت ادغام بشوند مثل چیزي که در دوره صفویه اتفاق افتاد یا یه وقت ممکن بود نهاد حکومت و سلطنت با هم درگیر شوند شبیه دوران پهلوي، یک زماني نهاد بازار به روحانیت نزدیک شود، مانند چیزي که همین الان هست شما میبینید که بازار و روحانیت در کنار هم هستند در سرکوب مردم. و اگرچه نهادي مثل نهاد پادشاهي دیگر وجود ندارد، دیدید که روشنفکران طبقه روشنفکر و نخبه ها نقش کمتري داشتند در رهبري و سازماندهي اگر چه انقلاب مشروطیت اصولا وقتي آغاز شد به پیشتازي روشنفکران بود ولي روشنفکران نه به لحاظ اجتماعي، و نه به لحاظ ثروت، توانمندي لازم را نداشتند و هم اینکه نمیتوانستند توده هاي اجتماعي را بسیج بکنند چون پایگاه لازم را نداشتند. به لحاظ فرهنگي در ایران چنین زیر ساخت هایي به وجود نیامده بود. مطبوعات دمکرات و آزادي به وجود نیامده بود. حزب هایي که بتوانند لایه هاي متفاوت را بسیج کنند وجود نداشت. بنابر این با وجود اینکه مشروطیت را روشنفکران آغاز میکنند اما مجبور میشوند که از نیروي روحانیت استفاده کنند و بعدها هم منحرف میشود. و در انقلاب 57 باز شما میبینید که اگرچه جنبش دانشجویي و احزاب سیاسي و آزادیخواهان نقش به سزایي دارند اما وقتي که مسئله نهضت اوج میگیرد در واقع این نیروهاي نخبه و دانشجویان و روشنفکران مثل پیاده نظام از آنها استفاده میشد که در خدمت حکومت روحانیون باشند و الان هم نکته بسیار مهمي که شما اشاره کردید من تاکید میکنم امیدوارم این صحبت من از طریق شما برسد به همه آنهایي که باید برسد و آنهایي که لازم است این صحبتها را بشنوند که باز هم در این شرایط نهاد شاهي و سلطنت میخواهد به دلیل ثروت و امکاناتي که دارد از جنبش دانشجویي و جنبش روشنفکري و آزادیخواهي ایران به عنوان پیاده نظام استفاده کند چیزي که دقیقا در این چند روز گذشته شاهد بودیم با اینکه دانشجویان خودشان آگاهند و تغییرات ایران طي 6 سال گذشته دست دانشجویان بوده که بالا پایین شده مسائل کشور. اما با کمال تأسف رسانه هاي لس آنجلسي و سلطنت طلب ها و مانورهایي که اینها دارند میدهند جنبش دانشجویي را به عنوان یک پیاده نظام به حساب آورده اند که این جنبش دانشجویي گویا صلاحیت این را ندارد که خودشان بتوانند رهبري مبارزه را ادامه دهند و نهادهاي دمکراتیک را در ایران مستقر کنند و حتما نیازمند کسي مثل رضا پهلوي یا سلطنت طلب هاست که با حمایت کشورهاي خارجي به ایران بیاید و آنها براي مردم ایران تعیین تکلیف کنند. دقیقا تحلیلي که به عنوان جامعه شناختي وجود دارد در اینجا جایگاه پول زر و زور و تزویر همواره در بزنگاههاي تاریخ ایران کار خودش را کرده. یعني یک عده اي تفکرشان اصولا این است که آنهایي که داراي زر و پول هستند و یا داراي زور هستند و یا تزویر دارند اینها هستند که باید بیایند بر ایران حکومت کنند و صلاحیت رهبري و حکومت را اینها دارند. اما آنهایي که اهل فکر هستند و ثروتشان اندیشه شان هست ثروتشان مایه هاي فرهنگي شان است آنها نمیتوانند. آنها باید فقط مثلا زمینه هاي اجتماعي را فراهم بکنند. چالشي که در آینده نزدیک پیش روي جنبش روشنفکري و جنبش دانشجویي خواهد بود چالشي است که با اصحاب زر و زور و تزویر خواهد داشت یعني جنبش دانشجویي الان از طرفي با اصحاب روحانیت در جنگ و ستیز است که اینجا از تزویر و زور و زر استفاده میکنند براي سرکوب و در آینده نه چندان دور که جنبش آزادیخواهي ایران به پیشتازي جنبش روشنفکري توانست حکومت زر و زور و تزویر را از بین ببرد و شکست بدهد آن وقت چالش جدید این جنبش با دستگاه سلطنتي آغاز خواهد شد این چیزي است که ما به راحتي میبینیم. متاسفم که بگویم همواره جنبش هاي آزادي خواهي و دمکراسي گرفتار چنین نهادهایي مثل نهاد بازار و نهاد سلطنت و روحانیت بوده اند و به لطف یزدان پاک امروز در ایران این جنبش آگاهي دهي و آگاهي خواهي که آغاز شده و شما ببینید در همه شهرهاي ایران همه جاهایي را که سرکوب میکنند باز این دانشجوها هستند در یزد و کرمان امروز خبر داشتیم که در رفسنجان دانشجوها اعتراض کرده اند در شهرهاي دورافتاده این جنبش روشنفکري و این جنبش دانشجویي این بار تصمیم دارد که اجازه ندهد این سه نهاد متکي بر زر و زور و تزویر یعني نهاد بازار و نهاد سلطنت و نهاد روحانیت به سرزمین ایران حاکم بشوند و ایران را برگردانند به صد سال گذشته.

* شما انتظار دارید ما که در خارج هستیم در این ارتباط چه کار بکنیم که مفید باشد براي اینکه رهبریت این حرکت به دست خود دانشجویان باشد؟

ـ البته متاسفانه شمایي که در خارج از کشور هستید به نظر من یک مشکلي که دارید، و آن این است که اگر سلطنت طلب نباشید در واقع توانایي کافي براي اطلاع رساني ندارید و من این خلا را به خوبي دارم احساس میکنم که آن جنبش دمکراتیکي که در خارج کشور و آن آزادیخواهان واقعي که در خارج کشور هستند و قلبشان میتپد براي ملت ایران و دمکرات هستند، دستشان کوتاه است، رسانه ندارند، کم دارند از این جهت فقیر هستند اگر چه به لحاظ مایه هاي فکري غني هستند. ما معتقد هستیم که تمام این نیروهاي پراکنده اي که در خارج از کشور قرار دارند و دنبال این نیستند که نهادي را به ملت ایران تحمیل کنند و

الان ژست رهبري و ژست حكومت داري و شاهي براي ملت ايران نگرفته است و از موضع بالا براي مردم ايران حرف نميزنند و بلكه خودشان را جزئي از مردم ميدانند و معتقدند كه دمكراسي در ايران مستقر شود و همين الان براي مردم ايران تصميم نگرفته اند بنابر اين به نظر من همه اينها بايد سعي كنند يكديگر را پيدا كنند، اگر داراي رسانه ي اينترنتي ، راديويي، و تلويزيوني هستند دست به دست همديگر، آگاهي بدهند به مردم و به نظر من اين چيزي است كه من امروز احساس خطر ميكنم و الان در راديوي شما ميگويم و اميدوارم صداي من برسد به آنجايي كه بايد برسد امروز جايي هست كه ما بايد همانگونه كه با تمام وجودمان با استبداد جمهوري اسلامي ميجنگيم و در آينده اين مبارزه را گسترش ميدهيم بايد هميشه در مقابل نهاد سلطنتي كه ميخواهند به زور به ملت ايران تحميل كنند، به زور تبليغات و به زور پولهايي كه از ملت ايران چاپيده اند و رفته اند به خارج از كشور و به زور و تزوير و دروغ ميخواهند بر ملت ايران تحميل كنند ما بايد در مقابل اينها بايستيم و اگر امروز نايستيم بار ديگر تاريخ تكرار خواهد شد. تاريخ 28 مواد را نبايد فراموش كنيم. تاريخ سركوب مردم در دوران ستم شاهي را نبايد فراموش كنيم تاريخ انحراف انقلاب بهمن 57 را نبايد فراموش كنيم. تاريخ سركوب مردم ايران توسط جمهوري اسلامي ايران را نبايد فراموش كنيم، تحت هيچ شرايطي. ما نميبايستي به اين سه نهاد قدرتي كه به راحتي ميتوانند به دليل تكيه شان به زور و تزوير تمام جنبشهاي اجتماعي را تحت تاثير قرار بدهند رهبريت را در دست بگيرند و آن چيزي را كه ميخواهند تحميل كنند[تسليم شويم]. ما بايد امروز روشنفكرانه آزادانه مسئولانه در مقابل اين سه نهاد قدرت ايستادگي كنيم و به مردم آگاهي بدهيم مبارزه كنيم و اجازه ندهيم كه دوباره سر اين ملت كلاه برود و به نظر من نقش روزنامه ها، نقش رسانه ها، نقش روشنفكرها، نقش آزاديخواهان و هنرمندان در خارج از كشور اين است. من به هنرمندان عزيز، روشنفكران، دانشجويان، دانشگاهيان، روزنامه نگاران، نويسندگان، همه ايرانيان خارج از كشور اين مطلب را پيشنهاد ميكنم كه عزيزان شما اگر امروز در خدمت سلطنت طلب ها قرار گرفتيد يعني در خدمت يک نهاد قدرت قرار گرفته ايد نهاد قدرتي كه ثروت، پول، قدرت و توانمندي دارد و ميخواهد خود را بر ملت ايران تحميل كند همانگونه كه روحانيت، توانمندي داشت و در انقلاب 57 خودش را بر ملت ايران تحميل كرد و امروز كه اين جنبش آزاديخواهانه در كشور و اين جنبش دمكراتيک در ايران به راه افتاده بايستي كه همه روشنفكرها بيايند و از اين فرصت استفاده بكنند اين دوره يعني اينجاي تاريخ ايران كه ما در آن قرار گرفته ايم در اين مقطع دوران روشنفكري آزانديش دمكراسي با حضور همه نيروهاي ملي است يعني كه ما بايستي به يک دمكراسي با مايه هاي ناسيوناليستي دسترسي پيدا بكنيم دمكراسي مطالباتمان، شعارهامان و تنظيم روابط حكومتي سياسي و اجتماعي مان خواهد بود، و در عين حال براي پيوستگي مان از ناسيوناليست و مليت يعني به معناي ايرانيت استفاده كنيم و اجازه ندهيم هيچگونه ايدئولوژي چه ايدئولوژي كه متكي است بر نمايندگي خدا و ولايت فقيه و يا ايدئولوژي كه متكي است بر فره ايزدي و حكومت اوليگارشي چه تئوكراسي يعني آنهايي كه معتقد هستند نماينده خدا هستند و از طرف خدا بايد بر مردم حكومت كنند و در واقع نخبه هايي هستند برگزيده و مردم هم رعايايي هستند كه بايد فرمان آنها را ببرند چه حكومت اوليگاريشي كه حكومتي است متكي بر خانواده اي يا خانداني داراي امتيازي است و فره ايزدي و در واقع يک نوع امتياز براي خانواده يا خانداني قائلند چه حكومتهاي ديكتاتوري چه حكومتهاي مطلقه و اسپاتيسم و همه نوع حكومتها، روشها را بايد تحليل و افشا كنيد و به مردم نشان دهيد. و يک دمكراسي واقعي و يک حكومتي كه متكي است بر آراء مردم و مشروعيت خودش را از راي مردم ميداند نه مشروعيت الهي، نه مشروعيت خانوادگي، نه طبقاتي، پرولتاريايي و نه مشروعيت نژادي قائل است هيچ نوع مشروعيتي به لحاظ نژادي يا طبقاتي يا صنفي يا خانوادگي قائل نيست مگر مشروعيت راي مردم و حقوق انسانها و داراي حق انتخاب است. هيچ انساني حق حكومت بر انسان ديگر را ندارد منشاء حق نه فره ايزدي است نه نمايندگي خدا است نه نمايندگي پرولتاريا نه نمايندگي نژاد و طبقه است، بلكه فقط و فقط منشاء حق شهروندي است كه برگرفته از حق انسانهاست و هر انساني در حقوق خودش مساوي با ساير انسانها است و همه انسانها در حقوق خود مساوي و برابر هستند و به رضايت خودشان اين حقوق خودشان را تحت عنوان انتخابات يا انتخاب يا وكيل براي دوره معيني و در چهارچوب قوانين مشخص به فرد يا افرادي تفويض ميكنند و هر وقتي هم از آن افراد يا فرد ناراضي شدند از آن ساختار ناراضي شدند آن را برميدارند بنابراين اين يک دمكراسي واقعي است كه در چارچوب ايران عزيز و با رعايت حقوق همه قوميت ها و چهارچوب يک دولت فدرال يا خودمختار يا همه چيز ديگر تامين حقوق قوميتهاي ايراني در چهارچوب ايران و با يک حس مشترک ملي متكي بر فرهنگ و تمدن ايران عزيز اين چيزي است كه بايد در ايران مستقر بشود و همه ما هر چه هستيم بايد سعي كنيم كه به اين مدينه فاضله مورد درخواست ملت ايران كه صد سال براي آن مبارزه ميكند برسيم.

* در تأئيد فرمايشات شما بايد بگويم كه اين انقلاب به علت فساد و خودخواهي و خودكامگي همين رژيم شاهنشاهي بود كه به وجود آمد اينها خودشان به وجود آورنده اين انقلاب بودند و موضوع ديگري كه ميخواستم از شما به عنوان رهبر جبهه دمكراتيک بپرسم اين است كه فكر نميكنيد كه زمان آن رسيده كه حكم اعدام در حكومت آينده ايران ملغي شود.

ـ حتما همينطوره. اصلا يكي از بحثهايي كه همواره مطرح كرديم اين است كه بايد حكم اعدام برداشته شود براي اينكه هرگونه خشونت اعم از شكنجه و سنگسار، قطع دست ، اعدام انقلابي همه اينها را ما مظاهر خشونت ميدانيم و به لحاظ حقوق انساني با اين ها مخالف هستيم و معتقد هستيم كه در حكومت آينده آنچه حكومت ميكند حقوق انسانها و حقوق بشر است و در متن حقوق بشر هم پرهيز از اعدام و خشونت هم هست.

* آقاي حشمت الله طبرزدي من يک مسئله اي را كه مطمئن هستم و در ايران هم شاهدش بودم مشكل مادي است، در رابطه با مبارزاني كه گرفتار زندان ميشوند اسير ميشوند، كساني كه وابسته به آنها هستند و تحت تكفل آنها هستند، اين مشكل بزرگي براي مبارزه ايجاد ميكند كه اينها فكر ميكنند اگر گرفتار شدند، اگر اسير شدند و زنداني شدند خرج خانواده شان به چه صورت تامين ميشود و تكليف آنها چه خواهد شد؟ در اين رابطه چه بايد كرد اين يكي از اساسي ترين مسائل است كه همه ما بايد خيلي با جديت به آن بيانديشيم و در رابطه با آن فداكاري كنيم. اگر در ايران نيستيم كه كاري كنيم لااقل از نظر مادي كمكي به آنهايي كه دارند مبارزه ميكنند بكنيم تا آنها احساس كنند پشتيباني از اين نظر دارند. من مطمئن هستم اگر مبارزان ما مطمئن باشند كه اگر گرفتار شوند و به زندان بيافتند خانواده شان از نظر مادي تامين هستند مبارزه خيلي سريع تر اوج ميگيرد و به نتيجه ميرسد. من ميخواستم نظر شما را بدانم كه بايد چكار كرد و چه راه حلي شما داريد كه ما بتوانيم از اين جا انجام بدهيم، زيرا اين همه ايراني كه در خارج هستند اگر نفري 10 دلار هم بدهند كلي پول ميشود و ميشود كمي خانواده زنداني ها را اميدوار كرد.
ـ البته اين بحثش كه مرتب صورت گرفته ولي متاسفانه اقدامي نشده پيشتر ما به سهم خودمان شماره حسابي اعلام كرديم كه در سايت اينترنتي جبهه متحد دانشجويي آن شماره حساب وجود دارد.

*اين را يک بار ديگر بگوييد و اسپل كنيد تا مردم بدانند اين حساب در كجاست. در چه كشوري است؟
ـ اين سايت اينترنتي است البته به نظر من اگر شما خودتان اين شماره حساب را برداريد sufront.com اين سايت جبهه متحد دانشجويي است. ما روي اين سايت يک شماره حساب گذاشته ايم كه مربوط به كمک هايي است كه هموطنانمان اگر واريز كنند به اين شماره، به دست ما ميرسد اين تنها جايي است كه ما قبول داريم و هيچ كس ديگري را قبول نداريم كه بخواهد به اسم مبارزان داخل كشور و جبهه متحد دانشجويي ايران پول جمع بكند و اين شماره حسابي است كه آنجا است و تنها از اين طريق است كه اگر هموطنانمان كمكي دارند به دست مبارزان ميرسد و اگر شما خواستيد ميتوانيد اين را روي خط تان براي مردم اعلام كنيد. بله متاسفانه يكي از مشكلات مهم مبارزان اين است و خوب شعار هم زياد داده شده اما كسي هم همت جدي نكرده البته بعضي از هموطنانمان اين كار را كرده اند كه آنها را در يک شرايط مناسبي كه استبداد برکنار شده باشد به مردم معرفي ميكنيم و از آنها سپاسگزاري خواهيم كرد. ولي در اين زمينه هم بيشتر شعار داده شده است تا عمل و اقدام.

* من آخرين سئوالم را مطرح ميكنم بعد اگر شما مطلبي داريد كه فكر ميكنيد اهميت دارد ميتوانيد عنوان كنيد. يكي از مسائلي كه من نميتوانم بفهمم اين است كه هميشه هر حركتي در ايران ميشود جرج بوش يک بيانيه ميدهد كه به نظر من جواز كوبيدن مبارزان است به وسيله خودكامگان در ايران. نظر شما رو ميخواستم دراين مورد بدانم.
ـ در هر صورت حمايت از مبارزان ايران لازم است. اين دولتهاي دمكرات و جامعه بين المللي بايد حمايت كنند و بايد اين حمايتهاي بين المللي باشد، البته ما با هر نوع دخالتي مخالفيم اما حمايت هاي سياسي لازمه. همچنين بايد تلاش بكنند و در مسائل بين المللي جمهوري اسلامي را تحريم اقتصادي و سياسي بكنند و تحت فشار بگذارند. اگر امثال جرج بوش اين بيانيه ها را ندهند اينها ميزنند همه مردم ايران را ميكشند شما اين را هم بدانيد اينجا حكومت قانون نيست اينجا حكومتي است كه اگر از امثال بوش نترسد و از آمريكا و مجامع بين المللي نترسد از مردم ايران نميترسند. اينجا گروههايي هستند سركوبگر، اينها خشونت را به نهايت خودشان رسانده اند اينها وحشي هستند، اينها مشتي وحشي هستند كه دارند به ملت ايران حكومت ميكنند و خشونت را از مغول و تاتار هم بدتر كرده اند، از عربها هم بدتر كرده اند، اينها حركت هايشان حركتهاي وحشيانه است يک مشت چاقو به دست و سركوب گر را به جان مردم ميياندازند، جوان 14 ساله را به زندان ميبرند و آنقدر ميزنند تا زير كتک بميرد. آقاي رحماني و آقاي مجيد را كه زدند. اينجا اين كارها را ميكنند شما چه توقعي داريد از حكومتي كه يک مشت قداره بند را ملت مسلط كرده و خانه به خانه ميافتند به جان مردم و خانه به خانه مردم را سركوب ميكنند و توي خانه هايشان هم مردم از دست اينها امنيت ندارند. اينها اين قوم هستند. اينها خودشان را نماينده خدا ميدانند كه بايد اين ملت بيچاره اي را كه انقلاب كرده و اينها را به قدرت رسانده با اين ملت اينگونه عمل كنند. دنيا چرا خوابه؟ دولت انگليس مكار چكار ميكند؟ دولت فرانسه چكار ميكند؟ مجامع بين المللي دارند چكار ميكنند؟ حقوق بشر در ايران كجاست؟ چرا بايد به خودشان اجازه بدهند كه قداره بندها آن جور توي كوي دانشگاه بريزند و توي خوابگاههاي دانشجويي اين جوانها را لت و پار كنند؟ چرا بايد جوانهاي 14 ساله را توي زندان ببرند و سركوب كنند؟ اين دادگاههاي انقلاب در ايران چكار ميكنند؟ اين حكومت سركوب در ايران چكار ميكند؟

اين ايرانيان خارج از كشور و اين دولتهاي به اصطلاح آزاديخواه دارند چكار ميكنند؟ چه كسي امروز بايد به داد ملت ايران برسد؟ كدام روشنفكر است كدام آزاديخواه است، كدام دولت است، كه امروز به داد ملت ايران برسد؟ يک هفته، ده روز است كه رسانه هاي فارسي زبان لس آنجلسي ما را بايكوت كرده اند و نميگذارند صداي ما به گوش مردم برسد. به دنيا بگوييد اين حكومت وحشت افتاده به جان اين ملت، تو خانه هاي مردم به بهانه گرفتن ديش مردم را سركوب ميكنند و جوانها را كتک ميزنند تا زير بار كتک بميرند. قداره بندهاشان را به جون اين ملت انداخته اند و آن آقاي خاتمي ميآيد و ميگويد در ايران هيچ اتفاقي نيفتاده است. صداي من را برسانيد به ملتهاي آزاديخواه، صداي من را برسانيد به دولتهاي آزاديخواه، صداي ما را برسانيد به روشنفكران، بگوييد در ايران چه خبره! افتاده اند به جان مردم يک عده قداره بند و چاقوكش، عده اي آدم كش و شكنجه گر. بگوييد به مردم صداي ما به جهانيان نميرسد. صداي ضجه اين زنان و ناله جوانان، صداي شيون زنان، صداي فريادهاي دانشجويان امروز، ما در بايكوت جدي هستيم از سوي دولت اروپا، راديو فردا دروغ ميگويد، راديو بي بي سي دروغ ميگويد، سلطنت طلبها دروغ ميگويند دولت فرانسه و انگليسي ها دروغ ميگويند، اينها مشتي قدرت طلب هستند، اينها مشتي منفعت طلب هستند. امروز جوانان ايران، دانشجويان ايران، زنان ايران زير بار اين سركوبند، زير بار قداره بندهاي رفسنجاني هستند، رفسنجاني آدم كشه، رفسنجاني قداره بنده، رفسنجاني قدرت طلبه، رفسنجاني تروريسته، به دنيا اعلام كنيد بگوييد چي از جان اين ملت ميخواهد. پيروز باشيد من اميدوارم هموطنان در خارج همتي كنند.

* سپاسگزارم كه در برنامه ما شركت كرديد و آرزو ميكنم هموطنان ما در خارج آنچه كه از دستشان برميآيد كوتاهي نكنند. همتي كنند به خودشان بيايند و ادا كنند دينشان را به اين جوانها و وطنشان به مردم به اين مظلومهايي كه اينطور در مقابل اين قدار بندها ايستاده اند. از شما بسيار سپاسگزارم كه در برنامه ما شركت كرديد.

گفت وگوي آقاي ايرج شكيبايي از برنامه سازان خوب راديويي در راديو ايران تورنتو را با آقاي حشمت الله طبرزدي خوانديم. يادآوري ميكنيم، كه اين گفت و گو آخرين گفت و گوي مفصل آقاي طبرزدي پيش از دستگيري و زنداني شدن اخير اوست كه به همت خانم مريم جعفري پياده و براي انتشار در اختيار شهروند قرار داده شده ، هم از آقاي شكيبايي عزيز و هم خانم جعفري سپاسگزاريم.